

مبانی فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی رسیدگی افتراقی به جرائم سبز

امین حاجی‌وند*
دکتر سید علیرضا میرکمالی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۱۷

چکیده:

رسیدگی‌های عادلانه و افتراقی به جرائم علیه محیط‌زیست در جهت تحقق بایسته‌های حقوق محیط‌زیست امری لازم و ضروری است. یکی از حوزه‌هایی که بایستی افتراقی سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند، جرائم سبز است، چرا که لزوم حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط‌زیست که یکی از بایسته‌های حمایت کیفری از محیط‌زیست است، افتراقی‌سازی در این حوزه را بیش از گذشته لازم و ضروری می‌نماید. منظور ما از جرائم سبز، جرایمی هستند که علیه محیط‌زیست ارتکاب می‌یابند و خود به دو دسته جرائم زیست‌محیطی و تروریسم زیست‌محیطی تقسیم‌بندی می‌شوند. علت تفکیک این دو مفهوم در این است که نحوه پاسخ‌دهی و رسیدگی به این جرائم متفاوت است و اصولاً از لحاظ قصد مجرمانه نیز تفاوت‌های مهمی دارند. از آنجایی که برای هر تصمیم حقوقی و به‌جا در سیستم عدالت کیفری، وجود مبانی لازم و ضروری است و همین مبانی، توجیه‌گر افتراقی‌سازی در حوزه رسیدگی و برخورد افتراقی است، از این رو در این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی مبانی فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی می‌پردازیم که بنیان‌های رسیدگی‌های افتراقی به جرائم سبز محسوب می‌شوند و توجیه‌گر افتراقی‌سازی در رسیدگی به این دسته از جرائم می‌باشند.

کلیدواژگان:

افتراقی‌سازی، مبانی فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی، جرائم سبز، تروریسم زیست‌محیطی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و مدرس دانشگاه
Email: aminhajivandlaw@gmail.com

** عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Email: sarmirkamali@yahoo.com

مقدمه:

آیین دادرسی کیفری از قدمت زیادی برخوردار است، به گونه‌ای که به هنگام مراجعه به قانون حمورابی، مشاهده می‌شود که در چارچوب این قانون‌نامه، به مناسبت، ضوابط و مقرراتی در خصوص تشکیلات دادگاه رسیدگی‌کننده، نحوه اجرای کیفر، نحوه اثبات دعاوی کیفری و قواعدی از این قبیل وجود دارد. البته لازم به ذکر است که سال‌های متمادی، نظر عده‌ای بر آن بوده که ممکن است نیاز چندانی به آیین دادرسی نداشته باشیم و صرف وجود قانون ماهوی و قضات بی‌طرف، مشکل رسیدگی را حل خواهد نمود.^۱ اما امروزه علاوه بر اینکه این ادعا کاملاً مردود تلقی می‌شود و وجود آیین دادرسی کیفری به واکنش جامعه بر ضد جرم‌نظم خاصی می‌بخشد^۲، سخن از افتراقی شدن و چندلایه شدن آیین دادرسی به میان آمده است و با مطرح شدن برخی از جرائم فنی و تخصصی و بزه‌کاران خطرناک این دسته از جرائم، ضرورت گزینش یک نظام رسیدگی افتراقی، بیش از گذشته احساس می‌شود.

امروزه، مشاهده می‌کنیم که حقوق کیفری چه در بعد ماهوی و چه در بعد شکلی آن از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است و رفتارهایی را جرم‌انگاری می‌کند که بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارند و شاخه‌هایی مثل حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری محیط‌زیست و... نشان از فنی شدن حقوق کیفری دارد.^۳

از نقطه نظر منتسکیو نیز حکومت قوانین مناسب باعث پیشگیری از جرائم محیط‌زیست می‌شود، وی در فصل سیزدهم کتاب روح القوانین تحت عنوان «نتایج آب‌وهوای نامناسب» بیان نموده که «در کشوری که آلودگی آب‌وهوا روح و جسم را متأثر می‌کند بایستی قوانین مناسب حکومت بکنند.»^۴

۱. آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴، ص ۷۷.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۸، ص ۱۸.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، درآمد ویراست دوم دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، نشر گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۲۷.

۴. منتسکیو، شارل، روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران، نشر اقبال، ۱۳۳۹، ص ۴۰۲.

باری، یکی از حوزه‌هایی که بایستی افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند، جرائم زیست‌محیطی است، چراکه لزوم حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط‌زیست که یکی از بایسته‌های حمایت کیفری از محیط‌زیست است^۱، افتراقی‌سازی در این حوزه را بیش از گذشته لازم و ضروری می‌نماید. از مهم‌ترین بایسته‌های حقوق محیط‌زیست، پایه‌ریزی حقوق و آیین دادرسی خاصی است که ضامن مدیریت جمعی بر میراث محیط‌زیست باشد.^۲ درواقع می‌توان گفت، یکی از بایسته‌های اصلی حقوق کیفری محیط‌زیست، حمایتی درخور توجه و شایسته از محیط‌زیست است، چراکه حقوق محیط‌زیست به تعبیر حقوقدانان، حقوقی خنثی نیست و تعهد به نتیجه در آن مستتر است^۳ از این‌رو یکی از مواردی که می‌توان از محیط‌زیست حمایت نمود، افتراقی‌سازی دادرسی کیفری سبز است.

در تحقیق پیش‌رو منظور ما از جرائم سبز، جرائمی هستند که علیه محیط‌زیست ارتکاب می‌یابند و خود به دو دسته جرائم زیست‌محیطی و تروریسم زیست‌محیطی تقسیم‌بندی می‌شوند. علت تفکیک این دو مفهوم در این است که نحوه پاسخ‌دهی و رسیدگی به این جرائم متفاوت است و اصولاً از لحاظ قصد مجرمانه نیز تفاوت‌های مهمی دارند. یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط‌زیست عبارت است از اینکه یک حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط‌زیست صورت بگیرد. یکی از جلوه‌های حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط‌زیست، ارائه تفکیکی مناسب درباره جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی است.

تروریسم امروزه، در رأس دغدغه‌های هر نظام حقوقی است به‌گونه‌ای که اکثر کشورها باینکه به تعریفی جامع‌ومانع از این جرم دست نیافته‌اند اما به مبارزه خود علیه این پدیده شوم ادامه می‌دهند. یکی از نظام‌های حقوقی که توانسته در خصوص تروریسم در قوانین کیفری خود قلم‌فرسایی کند، فرانسه است. اهمیت مبارزه و مقابله با تروریسم به‌عنوان یک پدیده جهانی از یک سو و جلوگیری از آسیب‌های شدید به محیط‌زیست از سوی دیگر، قانون‌گذار فرانسوی را بر

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه بایسته‌های حمایت کیفری از محیط‌زیست ر.ک به عبدالهی، محسن، حقوق کیفری محیط‌زیست: ملاحظات و راه کارها، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸ و ر.ک به عبدالهی، محسن، حمایت کیفری از محیط‌زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی، مجله علوم محیطی، سال پنجم، شماره اول، پاییز ۱۳۸۶.

۲. تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق محیط‌زیست در ایران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۵، ص ۱۴.

۳. تقی زاده انصاری، مصطفی، پیشین، ص ۱۷.

آن داشته که در قانون مجازات جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۲ میلادی اجرایی ۱۹۹۴، به تعریف یکی از مهم‌ترین انواع تروریست به نام تروریسم زیست‌محیطی مبادرت ورزد که این یکی از ابتکارات قانون مجازات فرانسه است. مقنن فرانسوی در واقع، در ادامه سیاست‌های حمایتی خود از منافع حیاتی و اساسی ملت فرانسه، به جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی اقدام نمود.^۱ در واقع، قانون‌گذار فرانسه با وضع ماده ۲-۴۲۱ بر حق بر محیط‌زیست سالم اشاره صریحی داشته و برای نخستین بار یک تفکیک مناسبی را از جرم زیست‌محیطی با تروریسم زیست‌محیطی ارائه داده است.

جرائم زیست‌محیطی امروزه به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و با توجه به خصیصه‌هایی که این دسته از جرائم دارا هستند همچون حالت خطرناکی مجرمان زیست‌محیطی، مطرح بودن ضرر در سطوح ملی، منطقه‌ای و فراملی، می‌توانند در قالب تروریسم نیز مطرح شوند. در جرائم تروریستی، نوعی رعب و وحشت در میان مردم ایجاد می‌شود که همین رعب و وحشت، عنصر اصلی در تروریسم محسوب شدن یک جرم، محسوب می‌شود. همین خصیصه مهم، عامل و فاکتور اساسی تفکیک جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی محسوب می‌شود. در جرائم زیست‌محیطی، آنچه مجرمان این دسته از جرائم انجام می‌دهند به قصد ایجاد رعب و وحشت در میان مردم نیست، در حالی که در تروریسم زیست‌محیطی هدف اصلی مجرم، ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است.

جرائم سبز، از مهم‌ترین جرائمی هستند که ناقض حق بنیادین بشری، حق بر محیط‌زیست سالم است که امروزه با پیشرفت علوم و فنون تکنولوژی، شاهد فنی و تخصصی و گسترده شدن جرائم در این حوزه هستیم، فلذا سیستم عدالت کیفری در مقام حمایت از این حق بنیادین بشری، بایستی پاسخی درخور توجه و مناسب در قبال این دسته از جرائم فنی و تخصصی بدهد. شاید در زمان‌های دور در مرحله رسیدگی به جرائم، شاهد یکپارچگی سیستم عدالت کیفری بودیم و همین یکپارچگی در آن زمان سیستمی مناسب تلقی می‌شد، اما امروزه با فنی و تخصصی شدن برخی از جرائم، عدالت کیفری ایجاب می‌کند تا آن یکپارچگی در موارد ضروری برچیده شود و در قبال جرائم فنی و تخصصی، پاسخ‌ها و تشکیلات سیستم عدالت کیفری نیز فنی و تخصصی شود.

1. Yves, Mayaud, Le Terrorisme, Dalloz, 1997, p24.

از آنجایی که برای هر تصمیم حقوقی و به‌جا در سیستم عدالت کیفری، وجود مبانی لازم و ضروری است و همین مبانی، توجیه‌گر افتراقی‌سازی در حوزه رسیدگی و برخورد افتراقی است، فلذا ما ابتدا مبانی فقهی و سپس به بررسی و تحلیل مبانی حقوقی و جرم‌شناختی رسیدگی‌های افتراقی به این دسته از جرائم، می‌پردازیم.

۱. مبانی فقهی

حفظ و نگهداری محیط‌زیست همواره از دغدغه‌های مهم و اصلی پیامبران و ائمه معصومین (ع) بوده است و در سفارش‌های این بزرگواران، احادیث مختلفی راجع به حفظ محیط‌زیست دیده می‌شود. در نگاه فقها نیز، ضرورت حفاظت از محیط‌زیست مورد تأکید همیشگی بوده است. در نظام حقوقی ایران نیز از آنجایی که بر فقه متکی است و غنی‌سازی هر نوشته‌ای در نظام حقوقی ما مدیون فقه اسلامی است، فلذا ما در این قسمت با یاری گرفتن از قواعد فقهی موجود و تطبیق آن با موضوع بحث این تحقیق، لزوم برخورد و رسیدگی‌های افتراقی سبز را با این دسته از جرائم فنی و تخصصی، مورد تحلیل و مطالعه قرار می‌دهیم. البته لازم به ذکر است که در هیچ قاعده فقهی به‌صورت مستقل، لزوم رسیدگی افتراقی به جرائم فنی مورد تحلیل و کنکاش قرار نگرفته و ما در قواعد فقهی با توجه به مفاد آن قاعده، ضرورت رسیدگی‌های افتراقی را مورد تحلیل و بررسی و تطبیق قرار می‌دهیم.

به نظر می‌رسد مبانی فقهی که لزوم دادرسی افتراقی سبز را می‌توان از آن استنباط نمود بر دو دسته قاعده فقهی لاضرر و قاعده رجوع هر امری به خبره و متخصص است که به‌صورت جداگانه، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۱. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از قواعد فقهی، حقوقی و اخلاقی است که در سرتاسر فقه بدان استناد می‌شود و در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی کارساز است. اهمیت این قاعده به‌اندازه‌ای است که بسیاری از متفکران اسلامی آن را راز و رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه فرهنگی می‌دانند.^۱

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸، صص ۱۳۵-۱۳۶.

قاعده لاضرر از آن‌رو که اختصاص به ابواب معینی از فقه ندارد یک قاعده فقهی عام است، یعنی فرمولی بسیار کلی که منشأ استنباط در موارد مختلف قرار می‌گیرد.^۱ اهمیت این قاعده به اندازه‌ای است که برخی از آن به‌عنوان رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه فرهنگ یاد کرده‌اند و آن را از قواعد حاکی دانسته‌اند که بر سرتاسر فقه حکومت دارد و کار آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است.^۲ شاید به همین دلیل بوده است که گفته شده که اگر فقه دایرمدار پنج قاعده باشد یکی از آن‌ها قاعده لاضرر است و دلیلی بر محصور نمودن این قاعده به باب معاملات و عبادات وجود ندارد و در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی نیز می‌تواند کارساز باشد.^۳

امروزه، رسیدگی‌های افتراقی و تخصصی در خصوص برخی از جرائم به لحاظ فنی و تخصصی بودن این دسته از جرائم، دارای مبانی مستحکمی است، به‌گونه‌ای که یکی از مبانی فقهی رسیدگی به این دسته از جرائم را می‌توان، جلوگیری از ضرر دانست، بدین معنا که اگر قاضی رسیدگی‌کننده آموزش‌های لازم را در خصوص جرائم فنی و تخصصی ندیده باشد، به هنگام انشای حکم مجازاتی را مرقوم می‌دارد که شاید از لحاظ خفیف بودن، اهداف سیستم عدالت کیفری را محقق نکند یا مثلاً با وجود ضابطان فنی و آموزش‌دیده می‌توان در جهت حمایت همه‌جانبه از محیط‌زیست، گام برداشت. در خصوص تجاوز به حق بر محیط‌زیست سالم که آثار فقهی-حقوقی دارد^۴ و ضرورت جرم‌انگاری بر مبنای قاعده لاضرر در خصوص برخی از جرائم زیست‌محیطی هیچ بحثی وجود ندارد.^۵ بحث ما در این تحقیق در خصوص عدم پیش‌بینی سازوکاری افتراقی و ضررهایی که از طریق عدم وجود این سازوکارها به وجود می‌آید، می‌باشد؛ اما در اینجا سؤالی طرح می‌شود که آیا قاعده لاضرر، شامل امور عدمی هم می‌شود؟ پاسخ این سؤال در کتب فقهی متعددی مطرح شده است و برخی از فقها (همانند میرفتاح مراغه‌ای و مکارم

۱. ریسمنوی، احمد، اهداف دین از نگاه شاطبی، ترجمه سید حسن اسلامی و سید محمدعلی احمدی ابهری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۳۶.

۲. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۵۱، ص ۳۶.

۳. به نقل از روستایی، مهرانگیز، مقایسه تطبیقی اصل ضرر و قاعده لاضرر در توجیه مداخله کیفری، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۵۷.

۴. محقق داماد، سیدمصطفی، پیشین، ۱۳۹۳، ص ۱۶.

۵. البته برخی از فقها و حقوقدانان، استناد و اتکا بر قاعده لاضرر را در خصوص جرم‌انگاری نمی‌پسندند، چراکه در هر جرمی ضرر وجود دارد و اتکا بر این قاعده نمی‌تواند مبنایی برای جرم‌انگاری باشد.

شیرازی) نظر بر مثبت بودن پاسخ داشته‌اند.^۱ به عبارت دیگر، قاعده نفی ضرر، دامنه گسترده‌ای دارد و انواع ضررها و اضرار به غیر را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، ضررهایی که قبل از این مصداق نداشته ولی اکنون با پیشرفت تکنولوژی و... مصادیق جدیدی به خود گرفته است، در صورت اثبات حقی شرعی برای افراد یا جامعه نیز شامل می‌شود.

تردیدی در این خصوص وجود ندارد که احکام وجودی، مشمول قاعده لاضرر می‌باشند؛ اما در خصوص امور عدمی، نمی‌توان بر این باور بود که دایره قاعده لاضرر، محدود به رفع احکام و افعال خاصی باشد و نسبت به مواردی که خلأ قانونی موجب ورود زیان و خسارت می‌شود، نقشی ایفا نماید. همان‌طور که می‌دانیم ضرر دارای معنایی عرفی است و از این‌رو رجوع به کتب لغت برای فهم آن لازم نیست، چراکه با مراجعه به آن‌ها نیز این امر روشن می‌شود که آن‌ها هم سعی نموده‌اند که معنای عرفی ضرر را بیان نمایند.^۲ در خصوص معنای عرفی ضرر، یکی از فقهای معاصر در تعریف عرفی ضرر بیان داشته‌اند: «فقد کل ما نجد و ننتفع به من المواهب الحیات من نفس او مال او عرض او غیرذلک»^۳ یعنی نداشتن و از فقدان هر یک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که می‌توانیم از آن بهره‌مند شویم. مطابق با این توضیح در خصوص معنای عرفی ضرر، فقدان و نبود یک دادرسی عادلانه، از طریق افتراقی و تخصصی بودن، مصداق عینی ضرر به یک جامعه و شهروندان آن است. در واقع، امروزه یکی از ضررهای عرفی شناخته‌شده در جهان، عدم برخورداری از مقررات ویژه دادرسی افتراقی است، بدین معنا که در حال حاضر، کشورها در جهت حمایت از بزه‌دیده و جلوگیری از ضررهای گسترده به جامعه و اطلاع دادرسی، ضوابط و مقررات خاص و ضابطین و قضات فنی و آموزش‌دیده‌ای را پیش‌بینی می‌نمایند. عدم تصویب مقررات لازم، موجب ضرر و تکلیفاً کوتاهی و حرام شمرده می‌شود.

۱. به نقل از مصطفی، محقق داماد، قواعد فقه، جلد یک، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲، صص ۱۵۸-۱۵۹.

۲. محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸.

۳. گوهری، عباس و بیژنی، مهدی، مسئولیت مطلق در تخریب محیط زیست از دیدگاه فقهی، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۴۲.

۱.۲. قاعده رجوع به خبره

تحول و پیشرفت علوم و فنون در تمام زمینه‌ها موجب شده که بتوان از ارجاع به کارشناس و خبره سخن گفت.^۱ کارشناس که یکی از مصادیق بارز اهل خبره است در پرونده‌های قضایی مورد ارجاع قرار می‌گیرد؛ اما بایستی این نکته را مدنظر داشت که قاعده رجوع به خبره، قاعده عامی است و تنها برای اثبات حجیت کارشناسی به کار نمی‌رود بلکه در حقوق اسلام، نظر اهل خبره به‌طور وسیع مورد توجه قرار گرفته و در ابواب مختلف فقه به نظر اهل خبره استناد شده و مصادیق متعددی از موضوعات تخصصی که در آن‌ها رجوع به اهل خبره ضرورت دارد، مطرح شده است و مهم‌ترین دلیل اعتبار نظر اهل خبره، سیره عقلا بر رجوع به اهل خبره است.^۲ قاعده رجوع به اهل خبره را نمی‌توان منحصر به کارشناسی دانست، از همین رو بسیاری از فقها این قاعده را قاعده‌ای عام دانسته و در جهت مشروعیت امر تقلید نیز از این قاعده عام استفاده نموده‌اند. مرحوم خوئی در تبیین عام بودن این قاعده بیان داشته: «بنای عقلا در هر امری، رجوع به متخصص است، چراکه متخصص از اهل خبره است.»^۳ فلذا در تمام امور زندگی می‌توان از این قاعده عام بهره جست.

یکی از اموری که نظام‌های حقوقی در پرتو جهانی شدن حقوق کیفری، بدان دست‌یافته‌اند، بحث افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری در خصوص دسته‌ای از جرائم است. افتراقی شدن دادرسی، در پرتو مطالعات فراوان در خصوص دسته‌ای از جرائم، مطرح گردیده است. امروزه، کشورها و نظام‌های حقوقی به این نتیجه رسیده‌اند که در خصوص برخی از جرائم، نیازمند قضات آموزش‌دیده و متخصص هستند. به‌عنوان مثال در جرائم اقتصادی، قاضی رسیدگی‌کننده علاوه بر داشتن معلومات حقوقی بایستی به بایسته‌های حقوق اقتصادی نیز توجه داشته باشد تا در مراحل رسیدگی، پاسخ‌های مناسبی اتخاذ گردد. یا مثلاً در مرحله پیش‌دادرسی، ضابطین آموزش‌دیده و خبره‌ای بایستی انجام وظیفه کنند تا سیستم قضایی در برخوردی افتراقی بتواند به احقاق حقوق عامه بپردازد. در جرائم زیست‌محیطی نیز همین امر صادق بوده و لزوم برخورد افتراقی با این

۱. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، تهران، نشر دراک، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۲، ص ۳۰۸.

۲. حسن‌زاده، مهدی، مبانی فقهی اعتبار نظر اهل خبره، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶.

۳. خوئی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی (تقریرات به قلم علی غروی) جلد اول، قم، موسسه احیاء آثار امام خوئی، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۶۳.

دسته از مجرمان که گاه به شکل سازمان یافته و شاید با اهداف اقتصادی (جرم زیست‌محیطی) و گاه باهدف اخلال شدید در نظم عمومی (تروریسم زیست‌محیطی) مرتکب جرم می‌شوند، احساس می‌شود. امروزه قاضی رسیدگی‌کننده بایستی علاوه بر معلومات حقوقی آموزش‌دیده باشد. منظور از آموزش تخصصی به قاضی این است که به این باور برسد که در خصوص جرمی که رسیدگی می‌کند اماره مجرمیت جاری سازد و مبدا در اثر آموزش ندیدن، اصرار به جاری ساختن اصل برائت در خصوص متهم داشته باشد و بداند که متهمی که در مقابل او نشسته است مرتکب جرمی مثلاً سازمان یافته شده است و در اینجا اماره مجرمیت را جاری سازد و به باوری افتراقی رسیده باشد و با بایسته‌های حقوق محیط‌زیست آشنا باشد. از این رو در پرتو رجوع به اهل خبره که یکی از قواعد مهم فقهی است می‌توان لزوم رسیدگی افتراقی به جرائم سبز را استنباط نمود. افتراقی شدن رسیدگی‌ها به ما اخطار می‌دهند که بایستی قضات رسیدگی‌کننده و ضابطین مربوطه بایستی خبره این کار باشند، چراکه جرائم سبز به‌عنوان جرائم فنی و تخصصی است و قاضی رسیدگی‌کننده بایستی خبره بوده باشد و علاوه بر معلومات حقوقی از حقوق محیط‌زیست نیز آشنایی کافی و وافی داشته باشد.

قاعده عام رجوع به اهل خبره، اهداف بازدارندگی را نیز محقق می‌سازد، چراکه اگر دادسرا و دادگاه‌های ویژه‌ای جهت رسیدگی به جرائم فنی و تخصصی وجود نداشته باشد، سرعت در رسیدگی که یکی از مؤلفه‌های بازدارندگی است تحقق پیدا نمی‌کند. علاوه بر آن اگر قاضی رسیدگی‌کننده به‌صورت خبره و تخصصی به این دسته از جرائم رسیدگی نکند در این صورت قطعیت کیفر نیز زیر سؤال می‌رود و شاهد این خواهیم بود که قاضی رسیدگی‌کننده، از نهادهای تخفیف به‌صورت سلیقه‌ای استفاده می‌کند و حتی گاه ناآگاهانه. وجود ضابطین تخصصی و متعدد یکی از نشانه‌های افتراقی شدن دادرسی در مرحله پیش‌دادرسی است. اگر ضابطین مربوطه آموزش‌دیده نباشند برخوردشان با پدیده مجرمانه سبز همانند سایر برخوردها با جرائم خواهد بود و حتی ممکن است به علت ظرافت خاصی که در جرائم سبز به خاطر فنی بودن قضیه وجود دارد، جرم کشف نشود و یا اگر کشف شود نادیده گرفته شود.

خبره بودن کنشگران قضایی اعم از ضابطین و قضات و بازپرس‌ها، افتراقی شدن رسیدگی‌ها در این حوزه را تحقق می‌بخشد. شاید بهتر است این‌گونه بیان داشت که فلسفه افتراقی شدن، رجوع

به اهل خبره در جهت رسیدن به اهداف والای سیستم قضایی باشد. پدیده اطلاع دادرسی که همواره مورد توجه سیستم قضایی بوده است، یکی از علل آن عدم تشکیلات و برخوردهای افتراقی در خصوص دسته‌ای از جرائم است. دادگاه‌های مسئله محور که در نظام‌های حقوقی غربی از آن یاد می‌شود، نویدآور تخصصی شدن و فنی شدن رسیدگی‌ها است و لازمه این رسیدگی‌های فنی و تخصصی، رجوع به اهل خبره و فن و تخصص است. آنچه که در رسیدگی‌های افتراقی مدنظر است مبنای فنی و تخصصی دارد و رجوع به اهل خبره که در میان فقها مطرح است و در سیره عقلا ریشه دارد، لزوم رسیدگی‌های افتراقی در این حوزه را اثبات می‌کند، چراکه با افتراقی شدن، مبنای رجوع به اهل خبره که همان قضات تخصصی و ضابطین آموزش دیده است تحقق پیدا می‌کند.

۲. مبانی حقوقی

۲.۱. تضمین حق بر محیط زیست سالم

محیط زیست در پرتو کارکردهای اجتماعی آن، بستر لازم و ضروری برای حیات جمعی است، به گونه‌ای که وجود و بقای بشر، بسته به وجود و بقای آن است. در واقع بدون داشتن محیط زیست سالم، حقوق بنیادین انسان اعم از حقوق مدنی و سیاسی یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر حق حیات، بهداشت، آموزش و... امکان استیفا نخواهد داشت. یکی از بایسته‌های اولیه برقراری رژیم کیفی در هر نظام حقوقی، شناسایی، تدوین و ایجاد نظام سلسله مراتبی در میان ارزش‌های حقوقی جوامع است. با برقراری نظام سلسله مراتبی و تقسیم ارزش‌ها به ارزش‌های فرادست و فرودست است که شکل‌گیری یک نظام کیفی با حمایت از ارزش‌های فرادست ضرورت یافته و توجیه می‌شود. یکی از ارزش‌های بنیادین حق بر محیط زیست سالم است.^۱ حق بر محیط زیست سالم همانند سایر حقوق مدنی و سیاسی برای توسعه پایدار حائز اهمیت است و این موضوع در دهه‌های اخیر مورد پذیرش قرار گرفته است.^۲

۱. عبدالهی، محسن، جنایت بر ضد محیط زیست در حقوق بین‌الملل، مجله علوم محیطی، سال اول، ۱۳۸۲، ص ۵۰.

۲. زهره‌وندی، مهدی، نقش قوه قضائیه ر قبال مسائل زیست محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۹.

امروزه حق بر محیط‌زیست سالم در حقوق داخلی در قالب قوانین اساسی، آرای دادگاه‌ها و رویه‌های اداری شناسایی و تضمین شده است. در کشور ما در اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۵۰ قانون اساسی این حق به رسمیت شناخته شده است. در واقع در اینجا می‌توان از اساسی سازی حق بر محیط‌زیست سالم سخن گفت. اساسی‌سازی عموماً به فرآیند تغییر و تحولی اطلاق شده است که به سبب رخنه و نفوذ هنجارهای اساسی در گرایش‌های مختلف علم حقوق (از جمله حقوق محیط‌زیست) و در نتیجه آمیختن مجموعه نظم حقوقی به این هنجارها به وجود می‌آید.^۱

سازمان ملل متحد به‌عنوان یکی از کنشگران عرصه بین‌الملل، با صدور قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعدد، ضرورت حفاظت از محیط‌زیست، جلوگیری از وقوع این جرائم و برخورد با مجرمین آن، تأکید ورزیده است که نشان‌دهنده دغدغه جهانی در این زمینه است. در بسیاری از قوانین اساسی نیز، بر حق محیط‌زیست سالم و جلوگیری از فعالیت‌های مغایر با این حق تأکید شده است. به موجب اصل ۵۰ قانون اساسی ایران «در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.» یکی از حقوق بنیادین بشری که در قالب نسل سوم حقوق بشر جای می‌گیرد، حق بر محیط‌زیست سالم است. به وجود آمدن نسل سوم حق‌ها نیز مولود نیازهای جدید بشری و اقتضات دنیای مدرن است، مانند موضوع تخریب محیط‌زیست. مهم‌ترین حقوق نسل سوم حقوق همبستگی شامل حق توسعه، حق صلح، حق برخورداری از محیط‌زیست سالم و... است.^۲

کشورهای مختلف با اصلاح یا تصویب قوانین اساسی جدید، حق بر محیط‌زیست سالم را به گونه‌ای صریح یا ضمنی مورد شناسایی قرار دادند. این نخستین بارقه‌های ملی‌سازی حق بر محیط‌زیست و تحکیم آن در حقوق ملی بود. در سطح داخلی، تقریباً تعداد بالغ بر ۱۱۰ کشور، برخی از موازین را در قوانین اساسی خود گنجانده‌اند که دولت‌ها را متعهد به تضمین محیط‌زیست سالم برای شهروندان می‌نماید.^۳

۱. تقی‌زاده دوغیکلا، جواد، مسئله اساسی سازی نظم حقوقی، مجله پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، شماره ۱۳۸۳، ص ۱۰۳.

۲. مشهدی، علی، حق بر محیط‌زیست سالم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲، ص ۳۷.

۳. مشهدی، علی، حقوق بشر و محیط‌زیست (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶، ص ۴۱.

پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، مقولات نسل سوم حقوق بشر را به ۴ دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط‌زیست و حق بر میراث مشترک بشریت.^۱ در حال حاضر حق بر محیط‌زیست، توسعه‌یافته‌ترین موضوعی است که به‌عنوان حقوق همبستگی مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.^۲

مواد ۱۴ و ۱۵ پیش‌طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی در بیان حق بر محیط‌زیست می‌گوید: «هر انسان و کلیه انسان‌ها به‌صورت گروهی حق دارند از محیط سالم و متعادل از نظر زیست‌محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.» محتوای این حق نیز عبارت است از: حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی، حق بر آموزش مسائل زیست‌محیطی و حق دسترسی به مراجع اداری و قضایی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست‌محیطی.^۳

اعلامیه استکهلم حق بر محیط‌زیست، یعنی حق داشتن محیط‌زیستی سالم را همچون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسان‌ها تلقی نموده است.^۴

دادخواهی زیست‌محیطی، یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط‌زیست سالم است، حتی که به همه افراد حداقل شهروندان اجازه می‌دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط‌زیست علاوه بر اینکه موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم نموده باشد، به جهت نفع عمومی اقامه دعوی نماید. یکی تضمین‌های مستحکم دستیابی حق بر محیط‌زیست سالم، افتراقی سازی رسیدگی به جرائم سبز است.

اصل سیزدهم اعلامیه ریو مقرر داشته: «کشورها باید قوانین ملی به‌منظور تعقیب عادلانه عاملان آلودگی محیط‌زیست و قربانیان آن، تدوین کنند. علاوه بر این، کشورها باید به‌سرعت و با قاطعیت، جهت تنظیم یک‌سری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی

۱. فیروزی، مهدی، حق بر محیط‌زیست، تهران، انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴، ص ۵.

۲. امیر ارجمند، اردشیر، حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره پانزدهم، ۱۳۷۳، ص ۳۲.

۳. افتخار جهرمی، گودرز، حق بر محیط‌زیست: با تأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست‌محیطی، نخستین همایش حقوق محیط‌زیست ایران، ۱۳۸۲، ص ۲.

۴. امیر ارجمند، همان، ص ۳۲۸.

آلودگی محیط‌زیست با یکدیگر همکاری نمایند و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت‌هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می‌آورند، باشند.»

در این میان، در جهت تضمین حق بر محیط‌زیست سالم، نظام‌های حقوقی از پدیده جهانی‌شدن بر گونه هم‌سویی تبعیت نموده‌اند و جلوه بارز این جهانی‌شدن، رفتن به سمت افتراقی شدن رسیدگی‌ها در جرائم فنی و تخصصی است.

جهانی‌شدن به طیف گسترده‌ای از مشکلات اجتماعی مانند فقر، اختلاف طبقاتی، فساد، قاچاق انسان و مواد مخدر، پول‌شویی، تروریسم و جرائم زیست‌محیطی دامن می‌زند.^۱ جهانی‌شدن حقوق کیفری به‌عنوان واقعیتی مسلم در حال تکوین و تحقق است، همچنان که خانم دلماس مارتی در خصوص جهانی‌شدن حقوق بیان داشته: «دیگر این سؤال مطرح نیست که آیا با جهانی‌شدن حقوق موافقیم یا نه؟ این یک واقعیت است، حقوق جهانی می‌شود.»^۲

جهانی‌شدن حقوق کیفری، اصول‌گرایی کیفری کلاسیک را با چالش‌های جدی مواجه ساخت. سزار بکاریا و همفکرانش که روزگاری، اصولی را که خود مطرح نموده بودند به‌صورت اصولی دائمی و مطلق فرض می‌کردند. درحالی‌که با پیشرفت علوم و فنون تکنولوژی و جهانی‌شدن حقوق کیفری، جرائمی فنی و تخصصی به منصف ظهور رسید که باعث شد تا مطلق بودن این اصول بکاریایی زیرسوال برود.

مسائل زیست‌محیطی در این میان، مانند تخریب لایه ازن، گرم شدن کره زمین، آلودگی آب‌و‌خاک و مسائل مربوط به زیاده‌های اتمی که تهدیدات جهانی محسوب می‌شوند و نوع بشر را تهدید می‌کنند فراتر از جنبه بین‌المللی است، فلذا دولت‌ها برای مبارزه با این خطرات نوعی هم‌گرایی جهانی ایجاد کرده‌اند.^۳

یکی از مبانی حقوقی افتراقی شدن رسیدگی‌ها به جرائمی فنی و تخصصی، جهانی‌شدن حقوق کیفری است. در خصوص جرائم سبز نیز می‌توان گفت که یکی از مبانی حقوقی افتراقی شدن

۱. عینی، محسن، حمایت از بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان در اسناد فراملی، مجله مطالعات حقوقی، سال ۳، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹.

۲. دلماس مارتی، میری، جهانی‌شدن حقوق فرصت‌ها و خطرات، ترجمه امیر اردشیر امیر ارجمند، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۴، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵.

۳. دلبروک، برست، چشم‌انداز اروپایی از جهانی‌شدن حقوق، سیاست و بازارها در برداشت‌ها و تأثیرهای آن بر حقوق داخلی، ترجمه جواد کارگزاری، دو فصلنامه حقوق عمومی و حقوق بشر، شماره ۲ و ۳، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴.

دادرسی در این حوزه، جهانی شدن جهت تضمین حق بر محیط‌زیست سالم است. البته در خصوص جهانی شدن حقوق کیفری بایستی به این امر توجه داشت که جهانی‌سازی حقوق کیفری بر دو قسم است:

الف) یگانه‌سازی یا وحدت: یعنی ایجاد یک قانون جزایی مشترک و یکپارچه برای تمامی کشورهای جهان.

ب) هماهنگ‌سازی یا هم‌سویی: در این روش، به جای همانندسازی حقوق کیفری از هماهنگ ساختن آن بحث می‌شود؛ یعنی هماهنگی حقوق کیفری دولت‌های مختلف در پرتو یک سلسله اصول مشترک. در روش هم‌سویی حقوق کیفری، دولت‌ها در عین حال از تکثر حقوقی برخوردار هستند و از یکسری اصول مشترک هم پیروی می‌کنند.^۱

در گونه دوم، ضمن ارج نهادن به تفاوت‌های ارزشی در نظام‌های حقوقی، برخی دغدغه‌های مشترک جهانی، محور نزدیک شدن نظام‌های حقوقی قرار می‌گیرد و دولت‌ها سعی می‌کنند در پرتو یک سلسله اصول مشترک به یک هم‌گرایی کیفری دست یابند. بسیاری از مشکلاتی که در زندگی کنونی نه‌تنها در روابط بین دولت‌ها مطرح است، بلکه در داخل کشورها هم امروزه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته و تروریسم و جرائم زیست‌محیطی و... تبدیل به خواست عموم شهروندان شده است.^۲

امروزه شاهد آن هستیم که دادسراهای تخصصی که عهده‌دار امر تعقیب و تحقیق در جرائم هستند، جهانی شده‌اند و دادسراها نیز در مسیر تخصصی شدن پیش می‌روند. در همین راستا مقنن بر مبنای جهانی شدن، ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را پیش‌بینی می‌کند که باعث تشکیل دادسراهای تخصصی می‌شود و یادآور افتراقی شدن در حوزه دادرسی کیفری است. تا آنجایی این جهانی شدن از منظر قانون‌گذار دارای اهمیت است که دادسراهای تخصصی را به صورت تمثیلی بیان نموده است، فلذا دادرسی رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی که در تمثیلات این ماده نیامده، مانعی برای تشکیل دادرسی تخصصی ایجاد نمی‌کند.

۱. پرادل، ژان، به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری، ترجمه محمد مهدی ساقیان، مجله پژوهش‌های حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۱، ۱۳۸۲، ص ۱۶۱.

۲. پاک‌نیت، مصطفی، پیشین، ۱۳۹۶، صص ۱۰۸-۱۰۹.

امروزه در زمینه مبارزه با تروریسم یک همگرایی بین‌المللی به وجود آمده است. نمود بارز این جهانی شدن مبارزه با تروریسم، جرم‌انگاری تأمین منابع مالی تروریسم در کشور ایران است. یکی از مصادیق نوین تروریسم نیز، تروریسم زیست‌محیطی است که در نظام حقوقی فرانسه مورد پیش‌بینی واقع شده است در نظام حقوقی ایران نیز همان‌گونه که بیان کردیم مصادیقی از این قسم نوین از تروریسم در قانون مجازات اسلامی در ذیل جرم افساد فی‌الارض مطرح شده است، فلذا نوعی همگرایی در قالب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص مبارزه با تروریسم و تأمین منابع مالی آن مشاهده می‌شود.

در خصوص جرائم زیست‌محیطی و رسیدگی‌های افتراقی به این دسته از جرائم در حال حاضر شاهد جهانی شدن بر گونه هم‌سویی دیده می‌شود. در حال حاضر دادسرای تخصصی رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی در شهرستان‌های مختلف تشکیل شده است و هم‌اکنون در تهران تحت عنوان (دادسرای انفال و منابع طبیعی) مشغول به کار است. این دادسرا قبلاً تحت عنوان (دادسرای ویژه شهرداری و زمین‌خواری) بوده است که از سال ۱۳۸۳ فعالیت می‌کرده است. البته لازم به ذکر است که لزوم برخورد و رسیدگی‌های افتراقی از سالیان دورتری مورد توجه قوه قضائیه بوده است به‌گونه‌ای که رئیس قوه قضائیه وقت، با ابلاغ بخشنامه شماره ۱/۷۹/۵۸۷۴ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳ به دادگستری‌های سراسر کشور، تشکیل شعبات تخصصی به منظور رسیدگی به شکایات ادارات منابع طبیعی، محیط‌زیست و بهداشت درمان را متذکر شده بودند.

فلذا مبارزه با جرائم زیست‌محیطی و تروریسم زیست‌محیطی محقق نمی‌شود مگر با هماهنگ کردن و نزدیک نمودن سیاست کیفری کشورهای مختلف به همدیگر.

۲.۲. پایه‌های تقنینی

قانون اساسی ایران، حاوی اصولی است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به حفاظت از محیط‌زیست مربوط می‌شود یا برای حفاظت از آن قابل استفاده و استناد است. اصل ۵۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

در اصول دیگری از قانون اساسی، حقوق اساسی آحاد ملت تضمین و سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تحقق و تأمین آن حقوق، وظیفه حکومت دانسته شده است. مفاد این اصول چرخه‌ای به وجود آورده است که از سویی پیش نیاز تحقق بسیاری از حقوق یادشده هستند و از سوی دیگر اعمال صحیح آن سیاست‌ها به حفظ محیط‌زیست می‌انجامد.^۱ تضمین حفاظت از محیط‌زیست در چارچوب تشکیلات و ترتیباتی ویژه‌ای امکان‌پذیر است که از آن تحت عنوان افتراقی شدن یاد می‌شود.

حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در حال حاضر به‌عنوان یکی از دغدغه‌های نظام‌های حقوقی محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که توسعه نیز به‌عنوان یکی از اهداف اصلی هر کشور، باید در چارچوبی قانونمند صورت گیرد. از این‌رو در نظام حقوقی ما نیز، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور به تصویب رسیده است. در مواد مختلف این قانون که مشتمل بر ۷۳ ماده و ۱۰۰ تبصره است و در دهم بهمن‌ماه سال ۱۳۹۵ به تصویب رسیده است، به مناسبت مقررات مختلفی در جهت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست صورت پذیرفته است. به‌عنوان مثال در ماده ۲۹ این قانون، مقررات خاصی جهت بهره‌برداری از جنگل‌ها مطرح شده است و ضمانت اجراهای درخور توجهی نیز در نظر گرفته شده است تا اشخاص سودجو به بهانه توسعه کشور نتوانند جنگل‌ها را که منابع حیاتی کره زمین و بخشی از نظام تنوع زیستی هستند، در معرض نابودی و کاهش جبران‌ناپذیری قرار دهند. حفاظت از جنگل‌ها در جهت حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی متعددی^۲ نیز مطرح شده است و این امر به‌عنوان دغدغه‌ای بین‌المللی است. البته ریشه توجه به بحث توسعه پایدار که باعث توجه سیاستمداران کیفری شده است، تکنولوژی‌های دوستدار محیط‌زیست^۳ است. منظور از تکنولوژی‌های دوستدار محیط‌زیست، در واقع آن دسته از تکنولوژی‌هایی هستند که می‌توان کمک مؤثری بر کاهش اثرات توسعه بر محیط‌زیست داشته باشند.^۴

۱. ارشادی، محمدیار، نقش قوه قضائیه در حفاظت از محیط‌زیست، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۴، ص ۹.

۲. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک به میردیده، عاطفه، حقوق بین‌الملل حفاظت از جنگل‌ها، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، صص ۳۷-۵۶.

3.Environmentaly Sound Technology

۴. مشهدی، علی و طالع خرسند، هادی، درآمدی بر حقوق محیط‌زیست و مالکیت فکری، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵، ص ۳.

در قوانین برنامه‌های پنج سالانه توسعه نیز مقررات ویژه‌ای جهت حفاظت و حمایت همه‌جانبه از محیط‌زیست صورت گرفته است. آخرین اراده قانون‌گذار در خصوص برنامه‌های پنج سالانه توسعه در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ هجری شمسی است. قانون‌گذار در این قانون، بخشی جداگانه را تحت عنوان «محیط‌زیست و منابع طبیعی» به محیط‌زیست اختصاص داده است. به موجب ماده ۳۸ این قانون، دولت موظف شده است تا اقداماتی را در جهت حفاظت از محیط‌زیست به عمل آورد.

براساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری نیز، برای نخستین بار در حوزه محیط‌زیست یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری این سیاست‌ها دولت (قوای حاکم) است. در بند ۴ مقرر شده است که «پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و الزام آنان به جبران خسارت» همان‌طور که می‌دانیم مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مؤلفه قطعیت و سرعت را دارا باشد. مؤلفه سرعت در رسیدگی‌ها با پیش‌بینی دادرسی و دادگاه‌های تخصصی و افتراقی امکان‌پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضات تخصصی و آموزش‌دیده به منصفه ظهور می‌رسد.

ازلحاظ بین‌المللی نیز در نشست استکهلم، به بررسی رابطه آدمی و محیط‌زیست، فناوری و محیط‌زیست و ارتباط آن با رشد فکری، اخلاقی، اجتماعی انسان و نقشی که وی در دگرگونی محیط‌زیست در اثر استفاده غیراصولی و بی‌رویه و یا بالعکس آن، استفاده اصولی و به‌جا دارد، پرداخته شد.^۱ اصول این اعلامیه بر حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان حقی بشری، تأکید دارد.

در بخشی از اصل ده اعلامیه ریو^۲ نیز آمده است: «دست‌یازی و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری متخصص، از جمله مجازات و جبران خسارت بایستی تضمین شود.» این مقرر نشان می‌دهد که دسترسی به عدالت قضایی در سه مرحله قابل مشاهده و نیازمند توجه است. مرحله ابتدایی همان دسترسی به مراجع تخصصی و افتراقی جرائم زیست‌محیطی، مرحله میانی همان دسترسی به فرآیندی که عادلانه و مؤثر باشد و مرحله نهایی که همان دسترسی به

۱. موسوی، فضل‌الله، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰، ص ۲۴۴.

۲. اعلامیه ریو، یکی از مهم‌ترین اسنادی است که توسط کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست و توسعه به تصویب رسیده است.

لوازم اجرایی و جبران خسارت‌هایی که تصمیم دادگاه را تأمین نماید و جهت پیشگیری و جبران صدمات محیط‌زیست قابل‌پذیرش باشد.^۱

اصل سیزدهم اعلامیه ریو مقرر داشته: «کشورها باید قوانین ملی به‌منظور تعقیب عادلانه عاملان آلودگی محیط‌زیست و قربانیان آن، تدوین کنند. علاوه بر این، کشورها باید به‌سرعت و با قاطعیت، جهت تنظیم یکسری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط‌زیست با یکدیگر همکاری نمایند و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت‌هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می‌آورند، باشند.»

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران، با پیش‌بینی ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شاهد گسترش دادرسی‌های تخصصی هستیم. این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را داده است که اقدام به تشکیل دادرسی‌های تخصصی نماید که در واقع، پیام‌آور بحث افتراقی شدن و فنی شدن رسیدگی‌ها در مرحله پیش دادرسی علی‌الخصوص در جرائمی است که مجرمین آن از حالت خطرناکی بالایی برخوردارند.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، یکی از بسترهای قانونی افتراقی سازی دادگاه‌ها ماده ۵۶۶ است که مقنن به‌موجب این ماده، این ظرفیت را ایجاد کرده است تا مراجع قضایی به سمت افتراقی‌سازی دادگاه‌ها پیش بروند. ماده ۵۶۶ قانون مزبور بیان می‌دارد: «تمام مراجع قضایی موضوع این قانون مکلف‌اند با توجه به نوع دعوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند.» از آنجایی که وظیفه قوه قضائیه حسب اصل ۶۱ و ۱۵۶ قانون اساسی، حفظ حقوق عمومی، احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین است اما متأسفانه در جهت تشکیل دادگاه‌های تخصصی زیست‌محیطی در تمامی شهرستان‌ها گام برداشته نشده است. پرواضح است که یکی از حقوق عامه که همگان از آن بهره‌مند می‌شوند، حق بر محیط‌زیست سالم و ایمن است، تضمین حفاظت از این حق، برخوردی تخصصی و افتراقی را می‌طلبد و یکی از حوزه‌های افتراقی‌سازی، تشکیل دادگاه‌های تخصصی در جرائم زیست‌محیطی است.

1. white, Rob, op cit, 2013, p269

۲.۳. لزوم رعایت دادرسی منصفانه

یکی از مبانی حقوقی حاکم بر افتراقی شدن رسیدگی به جرائم سبز، لزوم رعایت دادرسی عادلانه و منصفانه است. این حق که یکی از حقوق بنیادین بشری است در بسیاری از اسناد بین‌المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای خصوصاً بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر پیش‌بینی گردیده است.

امروزه جهت رسیدن به دادرسی عادلانه و منصفانه در خصوص رسیدگی‌های افتراقی به جرائم سبز، بایستی ضوابط و معیارهای دادرسی عادلانه را در خصوص افتراقی سازی دادرسی‌ها مورد بحث و بررسی قرار دهیم. در واقع، معیارهای دادرسی عادلانه که مبنای مهم افتراقی شدن رسیدگی‌ها در این حوزه است، مختلف است که به بررسی این معیارها پرداخته می‌شود.

۲.۳.۱. معیارهای دادرسی منصفانه (مرتبط با افتراقی شدن)

لزوم وجود معیارهایی برای دادرسی عادلانه و منصفانه امری ضروری به نظر می‌رسد. در این قسمت به بررسی معیارهای دادرسی منصفانه مرتبط با بحث افتراقی شدن می‌پردازیم.

۲.۳.۱.۱. لزوم رسیدگی توسط قضات صالح و متخصص

دادرسی عادلانه نه فقط مستلزم وجود دادگاه‌های صالح از نظر قانونی است، بلکه اقتضای آن را دارد که قضات رسیدگی کننده در حوزه جرائم سبز، آموزش دیده باشند و علاوه بر داشتن معلومات حقوقی به بایسته‌های حقوق محیط‌زیست نیز آشنایی کامل داشته باشد. منظور از تخصص عبارت است از اینکه قاضی رسیدگی کننده در برابر جرائم فنی و تخصصی علاوه بر معلومات حقوقی به بایسته‌های اصلی آن حوزه نیز آشنایی کافی داشته باشد. در حوزه جرائم سبز این لزوم آگاهی و تخصص در قضات بیشتر احساس می‌شود چراکه جرائم سبز بر اساس خصیصه‌هایی که دارند فنی و تخصصی به حساب می‌آیند و جهت مقابله با این جرائم بایستی قضاتی که به پرونده‌های زیست‌محیطی رسیدگی می‌کنند از بایسته‌های حقوق محیط‌زیست نیز آگاه باشند. بایسته‌های محیط‌زیست این مهم را یادآور می‌شود که بایستی با مجرمان این دسته از جرائم با اصول خاصی برخورد نمود و به صورت سلیقه‌ای از نهادهای تخفیف استفاده نمود.

۲.۳.۱.۲. رسیدگی در یک مدت معقول (محاكمه سریع و بدون تأخیر موجه)

یکی دیگر از مقتضیات دادرسی عادلانه آن است که رسیدگی به اتهام متهم باید در یک مدت معقول و بدون تأخیر ضروری انجام شود. این امر از آن جهت است که اطلاع دادرسی و تأخیر بدون دلیل در محاکمه شخص، دادرسی عادلانه و منصفانه را از هدف اصلی آن که تضمین حقوق اصحاب دعوا از یک طرف و حقوق جامعه از سوی دیگر است، منحرف می‌سازد.^۱

افتراقی سازی رسیدگی‌ها به علت اینکه تخصصی است تأثیر بسیاری در جلوگیری از اطلاع دادرسی دارد. در نظام حقوقی ایران، دادرسی تخصصی رسیدگی به جرائم محیط‌زیست بر اساس ظرفیت ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری در برخی از شهرستان‌ها به وجود آمده اما عدم پیش‌بینی دادگاه‌های تخصصی در این حوزه و با توجه به اختیاری بودن ماده ۲۵ قانون فوق‌الذکر به نظر می‌رسد که رویکرد فنی و تخصصی در زمینه رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی رعایت نشده فلذا استفاده‌های نابجا و سلیقه‌ای از نهادهای تخفیف از سوی قاضی ناآشنا به مسائل تخصصی محیط‌زیست، مؤلفه قطعیت و حتمیت را زیر سؤال خواهد برد چراکه قوانین راجع به این حوزه علاوه بر اینکه از قدیمی بودن و کم بودن میزان مجازات رنج می‌برد از سوی دیگر عدم رویکردی فنی و تخصصی در یک قاضی رسیدگی‌کننده باعث خواهد شد که همین مجازات نیز به حداقل‌گرایی قانونی بپیوندد و استفاده از نهادهای تخفیف به صورت ناصواب رواج پیدا کند.

مرحله دادرسی مهم‌ترین مرحله آیین دادرسی محسوب می‌شود چراکه در این مرحله است که مجازات تعیین می‌شود و اگر از سوی قضات ناآشنا به مسائل زیست‌محیطی این مرحله به اتمام برسد در این صورت مؤلفه‌های شدت و حتمیت به شدت زیر سؤال خواهد رفت، همچنین به علت افتراقی نشدن رسیدگی‌ها با توجه به پرونده‌های متعددی که در شعبات در حال رسیدگی است با اطلاع دادرسی نیز روبرو خواهیم بود که این آسیب نیز مؤلفه سرعت در رسیدگی و اجرای مجازات را زیر پا گذاشته و رسالت عظیم بازدارندگی را با چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت.

۱. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷.

۳. مبانی جرم‌شناختی

نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی هریک به‌گونه‌ای حقوق کیفری و سیستم عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار داده‌اند و سیستم عدالت کیفری در برخی موارد تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی به رویکردهای افتراقی روی آورده است. در خصوص رسیدگی‌های افتراقی سبب ما یک تئوری خاصی نداریم و این گفته تنها در این خصوص صادق نیست بلکه در دیگر اشکال جرائم یقه‌سفیدی همچون جرم پول‌شویی و... نیز مصداق دارد؛ یعنی ما نمی‌توانیم بر اساس یک تئوری خاص، این بحث را تجزیه و تحلیل کنیم؛ اما به نظر می‌رسد با بررسی نظریات و مکاتب جرم‌شناسی و رویکردهای حمایتی از بزه‌دیده، بتوان مبانی مستحکمی را برای رسیدگی‌های افتراقی به این دسته از جرائم برشمرد که در این مبحث به بررسی تفصیلی هر یک از این موارد می‌پردازیم.

۳.۱. رویکرد مدیریت خطرناکی

در جرائم سبب از آنجایی که این دسته از جرائم به دو دسته جرائم زیست‌محیطی و تروریسم زیست‌محیطی تقسیم‌بندی می‌شوند، مرتکبان این جرائم را خطرناک‌تر از یک جرم عادی می‌دانند. خطرناکی یا حالت خطرناک^۱، آن‌گونه که در جرم‌شناسی تحقیقی مطرح است، لزوماً جنبه بالینی ندارد. افراد خطرناک از نظر بزه‌کاری، بیمار و آسیب‌دیده نیستند بلکه به‌نوعی از نظر اجتماعی مسئول عمل خود انگاشته می‌شود و باید آنان را باهدف تأمین امنیت جامعه، تحت کنترل و نظارت قرارداد.^۲

ارتکاب جرم به‌صورت سازمان‌یافته نیز خطر رفتارهای آنان را افزایش می‌دهد، چراکه افزون بر شدت صدمات ناشی از آن، تصمیم مشترک بر ارتکاب جرم، احتمال ارتکاب عملی آن را بیشتر می‌کند. امروزه، با ظهور اشکال نوین بزهکاری مانند جرائم سازمان‌یافته، دولت‌ها با دسته جدیدی از جرائم و مجرمان مواجه شده‌اند که کنترل و مبارزه با آن‌ها در مقایسه با جرائم سنتی چندان

۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص حالت خطرناک رک به بابایی، محمدعلی، تحولات جرم‌شناختی-حقوقی مفهوم حالت خطرناک، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کیفرشناسی نو-جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، جلد دو، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۷۲۴.

آسان نیست. مرتکبان جرائم سازمان‌یافته، شیوه خطرناکی برای انجام بزه گزیده‌اند.^۱ یکی از نمودهای بارز جرائم سازمان‌یافته، جرائم زیست‌محیطی است. البته لازم به ذکر است که سازمان‌یافتگی یک طریق و شیوه برای ارتکاب جرم است لزوماً جرائم زیست‌محیطی سازمان‌یافته نیستند اما در بسیاری از موارد کلان، به صورت سازمان‌یافته ارتکاب پیدا می‌کنند. آنچه باعث می‌شود جرائم زیست‌محیطی سازمان‌یافته خطرناک تلقی شوند تفاوت آن‌ها با مجرمان جرائم غیر سازمان‌یافته است. مرتکبان جرائم غیرسازمان‌یافته، اغلب کوتاه‌بین، تکانشی و جست‌وجو کننده خطر معرفی شده‌اند، درحالی‌که این ویژگی‌ها در مورد مرتکبان جرائم سازمان‌یافته، صدق نمی‌کند. از همین رو قانون‌گذار با توجه به آثار بالقوه خطرناکی که ممکن است از تشکیل یک گروه سازمان‌یافته برای ارتکاب جرم ناشی شود، مقنن سردسته گروه سازمان‌یافته را مستوجب شدیدترین مجازات می‌داند که اعضای گروه انجام می‌دهند. البته لازم به ذکر است که از لحاظ عنصر روانی نیز می‌توان خطرناکی مجرمان زیست‌محیطی را مورد بررسی قرارداد، بدین معنا که ممکن است که آلاینده محیط‌زیست بدون اینکه به صورت سازمان‌یافته، به ارتکاب جرم مبادرت ورزد از آن جهت که عمداً یک جرم زیست‌محیطی را انجام می‌دهد نیز خطرناک‌تر از مجرمی است که از روی غیر عمد این کار را انجام داده است. البته لازم به ذکر است که تحقیقات نشان داده است که مؤلفه‌هایی همچون تعدد و تکرار جرم و سابقه کیفری نیز می‌تواند نشانه‌ای از خطرناکی محسوب شود.^۲

تروریسم به عنوان رفتاری وحشتناک با سوءاستفاده از مؤلفه نیرو/زور و به منظور از بین بردن شماری از شهروندان و طبیعتاً آفریدن هراس گسترده گاه با ابعاد جهانی ارتکاب می‌یابد. فلذا، فرآیند پیدایش و به اجرا درآمدن این پدیده بر خشونت استوار است. همین خصیصه نشان‌دهنده دارا بودن ویژگی‌های متفاوت و البته خطرناک در میان مرتکبان تروریسم است زیرا تلاش و اقدام برای نابودسازی تعداد توجه‌پذیری از شهروندان، بزه‌دیدگان بدون تقصیر، ایجاد وحشت وسیع نشانه‌ای از بودن سطح بالای زیان‌بخشیدن به دیگران، بی‌تفاوتی عاطفی، خودبینی و

۱. عالی‌پور، حسن، مایه‌های هراس و خشونت کیفری در تروریسم‌شناسی، مجموعه مقالات، تهران، انتشارات نگاه بین، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹.

۲. رضوانی، سوادبه، مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶، ص ۹۶.

ستیزه‌جویی و درواقع ظرفیت جنایی گسترده در مرتکبان این پدیده است و وجود انسجام در برنامه‌ریزی و شیوه ارتکاب جرم به خطرناک بودن این رفتار مجرمانه می‌افزاید.^۱ منظور از بی‌تفاوتی عاطفی یعنی اینکه شخص مرتکب نسبت به بزه‌دیده خود عاطفه‌ای ندارد و مؤلفه پرخاشگری و ستیزه‌جویی نیز بدین معنا است که فرد به قوانین و مقررات حمله می‌کند، خودبینی نیز به بی‌تفاوتی فرد نسبت به قانون اشاره دارد. افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری ناظر به تروریسم زیست‌محیطی نیز به جهت اینکه یک جرم تروریستی است و مجرم تروریستی نیز دارای حالت خطرناکی بالایی است، امری ضروری به نظر می‌رسد.

۳.۲. رویکرد حمایتی

تمرکز نخستین در مطالعات بزه‌دیده‌شناسی، توجه به بزه‌دیده به‌عنوان یکی از عوامل پیش‌جنایی و مؤثر بر وقوع جرم بوده است و تا اواخر نیمه اول قرن بیستم، توجه خاص و مستقل به بزه‌دیده از سوی اندیشمندان و سیاست‌گذاران علوم جنایی نشده بود. لیکن از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و اوایل دهه ۱۹۷۰، تغییر نگرشی به سمت حمایت از بزه‌دیده پدید آمد که به آن بزه‌دیده‌شناسی ثانویه یا بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور می‌گویند.^۲

برخی از بزه‌دیده‌شناسان، حمایت شکلی از بزه‌دیده را یکی از بهترین سازوکارهای حمایت از بزه‌دیده دانسته‌اند که از این رهگذر، احقاق حقوق وی در چارچوب قانون و به‌ویژه از رهگذر مقررات آیین دادرسی محقق می‌شود.^۳ از این رو بایستی در جهت حمایت از بزه‌دیده به حقوق قانونی وی احترام گذاشت.^۴ بزه‌دیدگان دارای نیازهای متعددی هستند و برخی از نیازهای بزه‌دیدگان چندان آشکار نیست.^۵ یکی از حقوق بزه‌دیده، دسترسی عادلانه و منصفانه به دادرسی

۱. نیازپور، امیر حسن، بنیان‌های جرم‌شناسانه رسیدگی افتراقی به تروریسم، مجموعه چکیده مقالات همایش تروریسم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌مداری تا بزه‌دیده‌مداری، دیباچه در: لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، بزه دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۹، ص ۱۱.

۳. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی، تهران، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶.

۴. آشوری، محمد و خدادادی، ابوالقاسم، حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری، مجله آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۴.

۵. فتاح، عزت، از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه دیده، ترجمه سوسن خطاطان و علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳، بهار ۱۳۷۱، ص ۹۸.

است. آیین دادرسی کیفری افتراقی در حوزه جرائم سبز در جهت حمایت از بزه‌دیدگان آن امری لازم و ضروری است، چراکه جرائم سبز دارای یک بزه‌دیدگی جمعی است و در سایر جرائم مثل قتل، سرقت و... بزه‌دیدگی فردی است.

بزه‌دیدگان شایسته بهره‌مندی از حمایت شکلی یا به عبارتی آیین دادرسی مدار هستند.^۱ بزه‌دیدگان جرائم سبز از آن جهت که خود جرائم سبز به دودسته جرائم زیست‌محیطی و تروریسم زیست‌محیطی تقسیم می‌شود و حالت خطرناکی مجرمان بالاست، شایسته حمایتی درخور توجه هستند. امروزه توجه افتراقی به بزه‌دیدگان جرائم سبز این لزوم را یادآور می‌شود که بزه‌دیدگان این دسته از جرائم بتوانند به یک دادگاه ویژه و تخصصی دست پیدا کنند که از تخصص وافی و کافی در خصوص رسیدگی به این دسته از جرائم برخوردار هستند و مطمئن شوند که حق آن‌ها در رسیدگی‌ها ضایع نخواهد شد. دادرسی عادلانه و منصفانه از طریق افتراقی سازی رسیدگی به این دسته از جرائم باعث می‌شود تا اطلاع دادرسی به حداقل ممکن برسد و یا برخی از اصول بنیادین حقوق کیفری به مناسبت برعکس شوند مثلاً اماره مجرمیت گاهی حکم‌فرما شود. خصیصه‌هایی که بزه‌دیدگان زیست‌محیطی دارند، ضرورت افتراقی سازی رسیدگی‌های سبز را لازم و ضروری می‌نماید. قربانیان محیط‌زیست، قربانیان علم و تکنولوژی هستند^۲ و جزء بزه‌دیدگان واقعی یا بزه‌دیدگان بی‌گناه هستند که هیچ نقشی در به حرکت درآوردن جرم نداشته‌اند.^۳ البته از آن جهت که تروریسم زیست‌محیطی نیز یک جرم سبز محسوب می‌شود بر اهمیت موضوع و رویکرد حمایتی از بزه‌دیدگان افزوده می‌شود، چراکه بزه‌دیدگان تروریسم موضوعیت ندارند، یعنی قربانیان انتخاب نمی‌شوند هیچ رابطه‌ای میان مجرم و بزه‌دیده وجود ندارد. در بزه‌های سنتی معمولاً جرم مبتنی بر رابطه بین مجرم و بزه دیده است، درحالی‌که در جرائم تروریستی مهم نیست چه کسی کشته شود بلکه مهم این است که این عمل باعث ایجاد ناامنی و هراس شود.^۴

۱. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده شناسی حمایتی، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۹.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی مبحث بزه‌دیده شناسی، تنظیم: فاطمه قناد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۳-۷۴، ص ۲۰۷.

۳. همان، ص ۲۲۹.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی تروریسم، تنظیم: امیر باستانی و مهدی نوروزیان، دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰۵.

در ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری نیز در تعریف آیین دادرسی کیفری، به لزوم رعایت حقوق بزه‌دیده و جامعه اشاره نموده است. جرائم زیست‌محیطی نیز از زمره جرائمی شناخته شده‌اند که قربانیانشان نیاز به حمایت والایی دارند.^۱ امروزه، یکی از لوازم اصلی حمایت از بزه‌دیده در حوزه جرائم سبز، افتراقی‌سازی رسیدگی‌های کیفری در این حوزه است، ضمن اینکه از آنجایی که تروریسم زیست‌محیطی نیز که یک جرم سبز است بر لزوم این افتراقی‌سازی افزوده می‌شود.

۳.۳. افزایش احتمال کشف، تعقیب و محکومیت (نظریه گزینش حسابگرانه)

نظریه گزینش حسابگرانه^۲، یکی از نظریاتی است که در پی تبیین و تحلیل کنش‌های رفتاری در بسترهای مختلف علوم انسانی است. مطابق با این نظریه انسان‌ها به‌عنوان کنشگرانی فرض می‌شوند که بر اساس اصالت سود و کسب حداکثر فایده به ارتکاب جرائم روی می‌آورند. این نظریه نشأت گرفته از افکار فایده‌باورانی چون بکاربا و بنتام است. بزهکار زیست‌محیطی نیز همچون سایر بزهکاران، قبل از ارتکاب جرم با سنجش متغیرهای مختلفی همچون را مدنظر قرار می‌دهد، فلذا در این قسمت به بررسی عناصری که مطابق با این نظریه، افتراقی‌سازی رسیدگی‌های سبز را ضروری می‌سازد، می‌پردازیم.

۳.۳.۱. احتمال کشف جرم

یکی از مؤلف‌های اساسی ارزیابی خطرات جرم، احتمال کشف جرم است. افتراقی شدن رسیدگی‌های سبز که لازمه‌اش تخصصی شدن است، احتمال کشف جرم را افزایش می‌دهد. یکی از نشانه‌های تخصصی شدن رسیدگی‌های افتراقی در مرحله پیش دادرسی، وجود ضابطان تخصصی و فنی است. از آن جهت که جرائم سبز از پیچیدگی بالایی برخوردار هستند و بزه‌دیدگی در این حوزه نامحسوس است فلذا کشف جرم ارتكابی در این حوزه دارای دشواری فراوانی است. وجود ضابطان تخصصی، فنی و آموزش‌دیده در این حوزه می‌تواند نسبت به کشف جرائم مؤثر واقع شود.

1. Hillard, Paddy, Tombs, Steve, Beyond Criminology? In Beyond Criminology: Taking Harm Seriously, Fernwood Publishing, 2004.p20.

2. Rational choice theory

۳.۳.۲. احتمال تعقیب

در این عنصر، تأکید برافزایش خطرات جرم از طریق افزایش احتمال تعقیب در جهت انصراف مجرمان از ارتکاب جرم است. اگر مجرم زیست‌محیطی احتمال تعقیب در جرم را بدهد به بررسی هزینه-فایده می‌پردازد. افتراقی‌سازی در رسیدگی به این دسته از جرائم با توجه به اینکه لازمه‌اش وجود ضابطان متعدد و تخصصی، دادسرا و دادگاه ویژه با قضات متخصص است، احتمال تعقیب را افزایش می‌دهد.

۳.۳.۳. احتمال محکومیت

در نظریه‌گزینش حسابگرانه، یکی از عناصر کلیدی احتمال سنجی محکومیت از سوی مجرم است. در نظام حقوقی ایران، دادسرای تخصصی محیط‌زیست بر اساس ظرفیت ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری در برخی از شهرستان‌ها به وجود آمده اما عدم پیش‌بینی دادگاه‌های تخصصی در این حوزه و با توجه به اختیاری بودن ماده ۲۵ قانون فوق‌الذکر به نظر می‌رسد که رویکرد فنی و تخصصی در زمینه‌رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی رعایت نشده فلذا استفاده‌های نابجا و سلیقه‌ای از نهادهای تخفیف از سوی قاضی ناآشنا به مسائل تخصصی محیط‌زیست، مؤلفه قطعیت و حتمیت را زیر سؤال خواهد برد و احتمال محکومیت را کاهش خواهد داد، چراکه قوانین راجع به این حوزه علاوه بر اینکه از قدیمی بودن و کم بودن میزان مجازات رنج می‌برد از سوی دیگر عدم رویکردی فنی و تخصصی در یک قاضی رسیدگی‌کننده باعث خواهد شد که همین مجازات نیز به حداقل‌گرایی قانونی بپیوندد و استفاده از نهادهای تخفیف به‌صورت ناصواب رواج پیدا کند. مرحله دادرسی مهم‌ترین مرحله آیین دادرسی محسوب می‌شود چراکه در این مرحله است که مجازات تعیین می‌شود و اگر از سوی قضات ناآشنا به مسائل زیست‌محیطی این مرحله به اتمام برسد در این صورت مؤلفه‌های شدت و حتمیت به‌شدت زیر سؤال خواهد رفت، همچنین به علت افتراقی نشدن رسیدگی‌ها با توجه به پرونده‌های متعددی که در شعبات در حال رسیدگی است با اطاله دادرسی نیز روبرو خواهیم بود که این آسیب نیز مؤلفه سرعت در رسیدگی و اجرای مجازات را زیر پا گذاشته و رسالت عظیم بازدارندگی را با چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت.

نتیجه‌گیری:

امروزه افتراقی‌شدن در حوزه دادرسی کیفری نه‌تنها امری مفید بلکه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. یکی از حوزه‌هایی که لزوم افتراقی‌شدن به رسیدگی‌ها بیش از گذشته احساس می‌شود، جرائم سبز است. جرائم زیست‌محیطی که به دنبال صنعتی‌شدن جوامع، شکلی مدرن به خود گرفتند، امکان تحقق آن‌ها در قلب یک جرم تروریستی نیز تحقق پیدا کرد، از این‌رو برخی از کشورها همچون فرانسه در نظام تقنینی خود جرمی به نام تروریسم زیست‌محیطی را پیش‌بینی نمود و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز به مناسبت افتراقی‌سازی در حوزه رسیدگی به این دسته از جرائم ذیل جرائم تروریستی، تحقق پیدا کرد و به این طریق آیین دادرسی آن از آیین دادرسی جرم زیست‌محیطی متفاوت شد، چراکه آیین دادرسی کیفری حاکم بر جرائم زیست‌محیطی تخصصی است و به موازات دادرسی عمومی، به مناسبت قاضی، ضابطین، دادسراها و دادگاه‌های تخصصی شکل می‌گیرند اما در تروریسم زیست‌محیطی، آیین دادرسی کیفری اختصاصی حاکم است و در این دسته اخیر، شاهد سخت‌گیری‌ها در رسیدگی هستیم.

جهت افتراقی‌شدن و تخصصی‌شدن رسیدگی به جرائم سبز، بایستی دارای مبانی مستحکمی باشیم، چراکه پیش‌بینی ضوابط خاصی برای رسیدگی‌هایی که در ابتدای امر باید از عمومات دادرسی تبعیت کنند، مبنا می‌خواهد. در واقع، افتراقی‌سازی در حوزه جرائم سبز که به دنبال فنی و تخصصی‌شدن جرائم زیست‌محیطی و تروریسم زیست‌محیطی پدید آمد، از مبانی مستحکمی تبعیت می‌کند. از لحاظ فقهی، قاعده لاضرر قاعده رجوع به خبره که قواعد عامی هستند، بنیانی مستحکم جهت استنباط لزوم افتراقی‌سازی محسوب می‌شوند.

تردیدی در این خصوص وجود ندارد که احکام وجودی، مشمول قاعده لاضرر می‌باشند؛ اما در خصوص امور عدمی، نمی‌توان بر این باور بود که دایره قاعده لاضرر، محدود به رفع احکام و افعال خاصی باشد و نسبت به مواردی که خلاً قانونی موجب ورود زیان و خسارت می‌شود، نقشی ایفا نماید. در واقع، امروزه یکی از ضررهای عرفی شناخته‌شده در جهان، عدم برخورداری از مقررات ویژه دادرسی افتراقی است، بدین معنا که در حال حاضر، کشورها در جهت حمایت از بزه‌دیده و جلوگیری از ضررهای گسترده به جامعه و اطلاع دادرسی، ضوابط و مقررات خاص و ضابطین و قضات فنی و آموزش‌دیده‌ای را پیش‌بینی می‌نمایند. از قاعده رجوع به خبره نیز

تخصصی شدن دادسراها و دادگاه‌ها قابل استنباط است، چراکه در جرائم سبز که از پیچیدگی‌های خاصی برخوردارند قضاوت و ضابطین تخصصی، اهل خبره و متخصص محسوب می‌شوند. در خصوص مبانی حقوقی نیز که بنیان‌های افتراقی شدن رسیدگی‌ها در این دسته از جرائم هستند می‌توان به جهانی شدن و لزوم دادرسی عادلانه اشاره نمود. جهانی شدن به ما می‌آموزد که از سایر نظام‌های حقوقی که افتراقی سازی در حوزه این دسته از جرائم را تحقق بخشیده‌اند، الگو برداریم و آن را در نظام حقوقی خویش بومی‌سازی کنیم. برخورداری از دادرسی عادلانه نیز که از مؤلفه‌های خاص و متعددی تبعیت می‌کند، افتراقی شدن رسیدگی به جرائم سبز را عادلانه‌تر از زمانی می‌داند که نظام دادرسی یکپارچه بود، چراکه قاضی متخصص و جلوگیری از اطاله دادرسی با افتراقی شدن رسیدگی‌ها امکان‌پذیر است.

خصیصه‌های بزهکاران جرائم سبز و حمایت از بزه‌دیدگان سبز نیز بنیان‌های جرم‌شناسانه افتراقی سازی رسیدگی‌ها در این حوزه است. بزه‌دیده سبز که همان طبیعت و سپس انسان‌ها هستند اقتضای آن را دارند که مجرمانی که دست به اقدام تروریستی علیه محیط‌زیست می‌زنند و یا نوعی سازمان‌یافتگی در درون آن‌ها مشاهده می‌شود به‌راحتی از چنگال قانون فرار نکنند. افتراقی سازی با پیش‌بینی ضابطین تخصصی و متعدد و دادسراها و دادگاه‌های تخصصی در خصوص جرائم زیست‌محیطی و دادسراها و دادگاه‌های اختصاصی برای تروریسم زیست‌محیطی، این مهم را امری دست‌یافتنی می‌نماید. در حال در نظام حقوقی ما، جلوه‌های از افتراقی سازی در خصوص رسیدگی به جرائم سبز در قالب دادرسی تخصصی جرائم زیست‌محیطی مشاهده می‌شود اما از جهت اینکه هنوز هم تروریسم زیست‌محیطی در نظام حقوقی ما به‌صورت مستقل جرم‌انگاری نشده تا دادرسی آن نیز اختصاصی شود و مقررات ویژه‌ای را به خود بگیرد، در نظام تقنینی ما ضعف جدی مشاهده می‌شود.

منابع:

الف) فارسی

کتاب‌ها

۱. آشوری، محمد، **عدالت کیفری (مجموعه مقالات)**، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۲. پاک‌نیت، مصطفی، **افتراقی شدن دادرسی کیفری**، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.
۳. تقی زاده انصاری، مصطفی، **حقوق محیط‌زیست در ایران**، تهران، نشر سمت، ۱۳۹۵.
۴. رایجیان اصلی، مهرداد، **بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی**، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد، **بزه‌دیدة‌شناسی**، تهران، نشر شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۶. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، **کرامت انسانی در حقوق کیفری**، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
۷. رضوانی، سودابه، **حالت خطرناکی در گستره علوم جنایی**، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.
۸. ریسمنوی، احمد، **اهداف دین از نگاه شاطبی**، ترجمه سید حسن اسلامی و سید محمدعلی احمدی ابهری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۹. شمس، عبدالله، **آیین دادرسی مدنی**، جلد سوم، تهران، نشر دراک، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۲.
۱۰. محقق داماد مصطفی، **قواعدفقه**، جلد اول، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی، **الهیات محیط‌زیست**، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۳.
۱۲. محمدی، ابوالحسن، **قواعد فقه**، تهران، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۳.
۱۳. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۱۴. مطهری، مرتضی، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۵۱.
۱۵. منتسکیو، شارل، **روح القوانین**، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران، نشر اقبال، ۱۳۳۹.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **از جرم‌مداری تا بزه‌دیدة‌مداری**، دیپاچه در: لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، بزه دیده و بزه‌دیدة‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.

۱۷. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، **درآمد ویراست دوم**
دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، نشر گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

مقاله‌ها

۱۸. آشوری، محمد و خدادی، ابوالقاسم، حقوق بنیادین بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری، **مجله**
آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

۱۹. پرادل، ژان، به دنبال جهانی‌شدن حقوق کیفری، ترجمه محمدمهدی ساقیان، **مجله**
پژوهش‌های حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه
علامه طباطبایی، شماره ۱۱، ۱۳۸۲.

۲۰. حسن‌زاده، مهدی، مبانی فقهی اعتبار نظر اهل خبره، **فصلنامه حقوق دانشگاه تهران**،
 دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۸۹.

۲۱. دلبروک، برست، چشم‌انداز اروپایی از جهانی‌شدن حقوق، سیاست و بازارها در برداشت‌ها و
 تأثیرهای آن بر حقوق داخلی، ترجمه جواد کارگزاری، **دو فصلنامه حقوق عمومی و**
حقوق بشر، شماره ۲ و ۳، ۱۳۸۵.

۲۲. دلماس مارتی، میری، جهانی‌شدن حقوق فرصت‌ها و خطرات، ترجمه امیر اردشیر امیر
 ارجمند، **مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران**،
 شماره ۲۴، ۱۳۷۸.

۲۳. روستایی، مهرانگیز، مقایسه تطبیقی اصل ضرر و قاعده لاضرر در توجیه مداخله کیفری،
پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴.

۲۴. عالی پور، حسن، مایه‌های هراس و خشونت کیفری در تروریسم‌شناسی، **مجموعه**
مقالات، تهران، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۹۴.

۲۵. فتاح، عزت، **از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه دیده**، ترجمه
 سوسن خطاطان و علی حسین نجفی ابرنآبادی، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۳، بهار
 ۱۳۷۱.

۲۶. گوهری، عباس و بیژنی، مهدی، مسئولیت مطلق در تخریب محیط زیست از دیدگاه فقهی، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۰.
۲۷. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۸.
۲۸. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، کیفرشناسی نو-جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
۲۹. نیازپور، امیرحسین، بنیان‌های جرم‌شناسانه رسیدگی افتراقی به تروریسم، مجموعه چکیده مقالات همایش تروریسم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.

(ب) عربی

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۱ ق
۳۱. خوئی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی (تقریرات علی غروی) جلد اول، قم، موسسه احیاء آثار امام خوئی، ۱۴۱۸ ه.ق.

(ج) انگلیسی

32. Hillard, Paddy, Tombs, Steve, Beyond Criminology? In Beyond Criminology: Taking Harm Seriously, Fernwood Publishing, 2000

(د) فرانسوی

33. Yves, Mayaud, Le Terrorism, (paris. Dalloz, 1997)

